

می‌شوند، آن هم به‌شرط اینکه واقعاً داستان موفقیت در آن وجود داشته باشد و سرمایه‌گذاران فعلی، از بازدهی مالی‌شان گزارش‌های امیدوارکننده‌ای ارائه دهند.»

او نیز در مورد سرمایه‌گذاری خارجی و میزان ضرورت آن، با زرنوخی هم‌نظر است و می‌افزاید: «اگر سرمایه‌گذار خارجی بیاید، قطعاً یک قسمت از بازار را می‌سازد، ولی این مسئله پیش‌نیاز دارد؛ در واقع ما در ابتدا باید بتوانیم از حیث توان، قوانین و تحریم‌ها، استارت‌آپ بین‌المللی داشته باشیم تا سرمایه‌گذار بین‌المللی را جذب کند. اولاً شرط داشتن سرمایه‌گذار بین‌المللی، دستیابی به اقتصادی پایدارتر است که بتواند از بازگشت سرمایه‌اش محافظت کند. در سقف بازار ایران، صرفاً با ورود سرمایه‌گذار خارجی احتمالاً اتفاق چشمگیری نمی‌افتد.»

▼ به سوی سرمایه‌گذاری هدفمند

مجید کمالو نیز در گفت‌وگو با هم‌میهن به تحلیل صورتی که از وضعیت اکوسیستم نوآوری پیش چشم مخاطب است، می‌پردازد. این کارشناس سرمایه‌گذاری جسورانه می‌گوید: «این طور نیست که اکوسیستم نوآوری رو به تعطیلی باشد و محدود به چند اسم و شرکت. بلکه در اصل این اکوسیستم دچار یک تغییر رویکرد شده و تغییر در الگوی شکل‌گیری شرکت‌ها نوآور، استارت‌آپی و فنوار ایجاد شده است. به چه معنا؟ به این معنا که ماهیت گذشته دچار تحول شده است. این طور نیست که روی استارت‌آپ‌های کوچک سرمایه‌گذاری کنیم و اینها وارد بازار B2C (مدلی که شرکت به مشتری نهایی ارائه خدمت یا کالا را انجام می‌دهد) شوند و انواع پلتفرم‌ها شکل بگیرند و به‌سادگی بتوان به‌صرف سرمایه‌گذاری یک سود قابل توجه کسب کرد، زیرا نیازهای اولیه بازار در این حوزه برطرف شده و به اشباع رسیده‌ایم.»

او با تأکید بر اینکه این مدل از سرمایه‌گذاری در شرایط امروز محکوم به شکست است، اضافه می‌کند: «در دنیا هم این‌طور نیست که بیایند و سرمایه‌گذاری‌های متعدد در مراحل اولیه استارت‌آپ‌ها انجام دهند تا در دل آنها دو، سه شرکت بزرگ بیرون بیاید.»

او شرایط حال حاضر را چنین تشریح می‌کند: «چنانچه امروز استارت‌آپ‌ها، شرکت‌ها و نوآوری‌های کوچک و بزرگی شکل می‌گیرند، برای جذب سرمایه باید در خدمت صنایع و شرکت‌های بزرگ باشند. یعنی آن هلدینگ صنعتی یا شرکت بزرگ، چالش‌هایی در کسب‌وکار خود می‌بیند که حل آنها از طریق تیم‌ها و هسته‌های فنوار کوچک امکان‌پذیر است. به همین دلیل این استارت‌آپ‌ها حول یک مسئله واقعی بازار که نیاز شرکت‌های بزرگ است، شکل می‌گیرند، یعنی تقاضای بازار از سمت شرکت‌های اتفاق می‌افتد و استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های کوچک درصد رفع آن‌ها برمی‌آیند.»

او معتقد است، صنایع همچنان مشتاق سرمایه‌گذاری هستند، مثل حوزه فین‌تک (فناوری‌های نوین مالی) که بخشی از آنها به حل مشکلات بانک‌ها کمک می‌کنند یا هوش مصنوعی که می‌تواند در حوزه سلامت یا تجارت الکترونیک تحولات بزرگ را رقم بزند.

او درباره آینده این اکوسیستم با ادامه روند فعلی می‌افزاید: «سرمایه‌گذاری‌ها هدفمندتر می‌شوند و سرمایه‌گذاری به‌شکل گذشته چندان رونقی ندارد. در عوض از مدل‌های CVC یا نوآوری باز و موارد این‌چنینی استقبال می‌شود. روند شکل‌گیری یونی‌کورن‌ها را هم که مشاهده کنیم، می‌بینیم حول موضوعات جدیدی فعالیت می‌کنند که به حل چالش‌های جدیدی می‌پردازد. در ایران هم من فکر می‌کنم ما با اختلافی در همین مسیر جلو خواهیم رفت. آن تب‌وتاب شکل‌گیری استارت‌آپ و شتاب‌دهنده‌ها و تعدد VC‌ها بالطبع دیگر وجود ندارد. بخش زیادی از آن سرخوردگی ناشی از سرمایه‌گذاری‌های قبلی است که به نتیجه منجر نشد و بخشی از آن هم نیاز بازار است که کلاً تغییر پیدا کرده است. با در نظر گرفتن همه این موارد من فکر می‌کنم هرچند سرمایه‌گذاری‌های جدید سروصدای رسانه‌ای کمتری دارند، اما هلدینگ‌ها و شرکت‌های بزرگ به سرمایه‌گذاری‌شان ادامه خواهند داد و به این روش مسائل و چالش‌های خود را حل خواهند کرد.»

او نیز مانند زرنوخی، آینده روشن‌تری را برای اکوسیستم نوآوری متصور است و می‌گوید: «به گمان من در آینده نزدیک، یک اکوسیستم واقعی‌تر با بازیگران جدی‌تر و واقعی‌تر خواهیم داشت که در آن اتفاقاً عملکردهای واقعی‌تری هم اتفاق می‌افتد و مسائل جدی صنایع و کسب‌وکارها را از طریق اکوسیستم نوآوری حل خواهیم کرد.»

به‌نظر می‌رسد هرچند بخشی از کم‌خیر بودن اکوسیستم نوآوری خصوصاً در حوزه سرمایه‌گذاری، به رکود اقتصادی برمی‌گردد، اما بلوغ این اکوسیستم و حرکت در مسیر جدیدی که با سروصدای کمتری همراه است را نمی‌توان به از دست رفتن فضای نوآوری در کشور تعبیر کرد.

گفته زرنوخی، این اقدام سرمایه‌گذاران خارجی با نگاه به ورود این کسب‌وکارها به بازارهای جهانی یا منطقه‌ای صورت گرفت. به همین دلیل تا زمانی که امکان گسترش یک کسب‌وکار در جغرافیایی فراتر از ایران نباشد، ورود سرمایه‌گذار خارجی هم اتفاق نخواهد افتاد و اساساً منطق و دلیلی هم ندارد. به‌خصوص که در شرایط تحریمی، سرمایه‌گذاری در ایران می‌تواند اموال آن شرکت را بلوکه کند و مسیرهای پرپیچ‌وخم و غیرشفافی هم که برای حل این مشکل در نظر گرفته می‌شود، باب طبع این سرمایه‌گذاران نیست. او ورود سرمایه‌گذار خارجی به این فضا را مانند خوردن یک وعده غذای باکیفیت می‌داند: «آیا در این صورت استرس ما برای زندگی در ایران کم می‌شود؟ نه، همه‌چیز غذا نیست و استرس آلودگی هوا و ترافیک‌مان سر جای خود است.»

او البته پول سرمایه‌گذار خارجی را بهتر، با قدرت بیشتر و پر حوصله‌تر می‌داند و در این باره می‌گوید: «سرمایه‌گذار خارجی در دوره گذشته برای وی‌سی ایران یادگیری داشته و ما فهمیدیم که می‌توان پول بزرگ داد و ایستاد تا پروژه رشد کند، به‌جای اینکه هر لحظه چرتکه انداخت و دید سال بعد صورت‌های مالی سود می‌دهند یا نه. در حال حاضر هم اگر سرمایه‌گذار خارجی وارد کشور شود، حتماً می‌تواند تأثیر بگذارد، ولی شرط پایدارسازی این است که استارت‌آپ هم بتواند محیط جغرافیایی خارج از ایران را تجربه کند. ما هیچ تجربه‌ای از حضور برنده ایرانی خارج از این جغرافیا حتی در دوره قبل هم نداریم. اگر فضا مهیا باشد، پول سرمایه‌گذار خارجی هم حتماً می‌آید. ولی وقتی من نه می‌توانم تیم از خارج بیآورم، نه می‌توانم بفروشم و نه لایسنس واگذار کنم و نه در پروتکل‌های بین‌المللی هستم، انتظار زیادی است که سرمایه‌گذار خارجی نقض کمبود منابع مالی در کشور را برطرف کند. آن هم در حالی که در شرایط تحریمی، سرمایه‌اش همین جا قفل می‌شود.»

▼ هم‌نشینی زنجیره ارزش قوی و جریان نقدینگی

احمد واشقانی فراهانی، دیگر فعال حوزه سرمایه‌گذاری خطرپذیر دلایل دیگری ارائه می‌دهد که به ما می‌گوید به‌جز عبور از فضای هیجانی سال‌های قبل، چرا سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر کاهش یافته و سرمایه‌گذاری جسورانه شرکتی هم - حداقل در اخبار - در اختیار چند شرکت معدود باقی مانده است. او با تأکید بر اینکه این تصویری که ارائه می‌شود، بیرون داد یک رخداد است و باید به دلایل پشت آن توجه کرد که بخش بزرگی از آن معطوف به شرایط اقتصادی کشور است. او می‌گوید: «می‌توان گفت معدود شرکتی در فضای صنعتی داریم که هم جریان نقدینگی داشته باشد و هم با فضای سرمایه‌گذاری خطرپذیر آشنا باشد. به‌علاوه با این رکود اقتصادی که گریبان کسب‌وکارها را گرفته، معدود شرکت‌هایی هستند که آن قدر این جریان نقدینگی‌شان قدرتمند باشد که بتوانند بخشی از آن را که آزاد است، در حوزه‌ای که اتفاقاً ریسک بالایی دارد، سرمایه‌گذاری کنند. شرکتی که به این حوزه وارد می‌شود، باید این ریسک را هم قبول کند که پولش را از دست بدهد و مطمئن باشد با از دست رفتن این پول با چالش جدی مواجه نمی‌شود.»

او البته داشتن یک زنجیره ارزش قوی را هم در این خصوص مؤثر می‌داند که بتواند استارت‌آپی را در این زنجیره ارزش به خدمت بگیرد و روی آن سرمایه‌گذاری کند و معتقد است که مجموعه این دلایل سبب شده تا سرمایه‌گذاری جسورانه شرکتی محدود قلمداد شود.

او درباره اینکه چرا VC‌ها فعالیت کمتری نسبت به گذشته دارند، می‌افزاید: «آن قدر در ایران پول گران شده که سرمایه‌گذاری روی استارت‌آپ‌ها در ایران لزوماً نمی‌تواند نرخ بازگشت خوبی تولید کند. یعنی احتمالاً ایجاد نرخ مطلوب خیلی پایین است.»

او با تکیه بر مقاله‌ای که هاروارد بیزینس ریویو چند سال پیش منتشر کرد، معتقد است این مشکل تا حدی در کشورهایی که اکوسیستم نوآوری قدرتمندتری هم دارند، وجود دارد. در این مقاله نوشته شده بود که دنیای جدید به‌جای عرض اندام یونی‌کورن‌ها (اسب تک‌شاخ که می‌شود)، باید شتر باشند تا بتوانند تاب‌آوری خود را در این شرایط افزایش دهند.

فراهانی می‌گوید با شرایط اقتصادی ایران، سرمایه‌گذاری خطرپذیر در معنای اصلی آن کماکان منطق اقتصادی ندارد تا هر زمان که مشکل تورم خیلی جدی و رکود حل شود. اما در موضوع CVC‌ها مسئله متفاوت‌تر است؛ «فکر می‌کنم اگر ما به داستان‌های موفقیت مشخصی برسیم، احتمالاً یک مقدار این فضا بیشتر گل کند. این اعتبار مالیاتی هم کمک می‌کند. به‌طور کلی سخت است که شرکت‌های بزرگ و هلدینگ‌ها را قانع کنید سرمایه‌شان را در زمینه‌ای که هنوز رویش ابهام خیلی زیادی وجود دارد، بگذارند. چنین فضایی به‌مرور توسعه پیدا می‌کند و بزرگ

رفتارهای هیجانی تبعیت نمی‌کند. به‌علاوه با اشباع بازار اولیه، دیگر آن قدر تیم هم نیست که مشتاق حضور در پیش‌تک‌ها و رویدادهای مختلف و متنوع باشند. در حال حاضر به نوآوری‌های جدی‌تر و عمیق‌تری نیاز داریم. این نوآوری‌ها به آن سرعت قبل در دسترس نیستند و نیاز به آماده‌سازی دارند. مثلاً دانشگاه‌ها باید فضای کارآفرینی‌شان را از آن شواف اولیه به سمت کارهای عمیق‌تر ببرند و این به معنای داشتن برنامه‌ریزی‌های بلندمدت‌تر است.»

▼ شکل‌گیری یک اکوسیستم واقعی

این وضعیت در غیاب هیجان‌های رسانه‌ای و حمایت‌های دولتی محدودتر، سبب شده تا با شکل واقعی اکوسیستم نوآوری و ظرفیت‌های حقیقی آن مواجه شویم. زرنوخی می‌گوید، برای وضعیتی که پیش‌تر شاهد آن بودیم، اصطلاح عوامانه‌ای دارد و آن را به شایاش دادن در شب عروسی تشبیه می‌کند. این شایاش‌ها انگیزه‌ای بودند که هر کس وسط میدان بیاید و حرکتی انجام دهد، اما زندگی واقعی را نه آنها که به هوس شایاش وسط می‌آیند، بلکه آن عروس و داماد می‌سازند. البته او معتقد است، این وضعیت محدود به اکوسیستم نوآوری در ایران نیست و چنانچه خود را با رقبای منطقه‌ای مقایسه کرده و وضعیت آنها را بررسی کنیم، درمی‌یابیم که در کشورهای حاشیه خلیج‌فارس و ترکیه نیز فاصله گرفتن از هیجان‌ات اولیه سبب شده تا شاهد رشد کمتر آنها نسبت به سال‌های ابتدایی باشیم. این در حالی است که آنها با محدودیت‌های کمتری مواجه هستند و دسترسی به سرمایه‌گذار خارجی و بازار بین‌المللی هم دارند.

این کارشناس حوزه سرمایه‌گذاری خطرپذیر می‌گوید: «در شرایط امروز از کسب‌وکارها و نوآوری‌هایی استقبال می‌شود که به مسائل جهانی در زمینه سلامت، کیفیت آموزش، بهبود خدمات، سرعت دسترسی به یکسری از خدمات، مسائل زیست‌محیطی، تلفیق هوش مصنوعی با خدمات پیشینی و... بپردازند و برایش راهکار ارائه دهند. این کسب‌وکارها هنوز به‌درستی شکل نگرفته‌اند، زیرا به مسائل پیچیده‌تری می‌پردازند، روندها فعالیت و رشدشان هم با چیزی که ما قبلاً فکر می‌کردیم، متفاوت است. این‌طور نیست که تیم‌ها یک دوره شتابدهی شش‌ماهه داشته باشند، بوت‌کمپی برگزار شود و... با چنین اقداماتی این کسب‌وکارها شکل نمی‌گیرند. این فرآیند نوآوری عمیق‌تر است و نیاز به نهادسازی جدی‌تری دارد. برای همین هم می‌بینیم برخی شرکت‌های معظم دست به‌کار شده‌اند و ما گوگل ونچرز یا بی‌ام ونچرز و امثالهم را مشاهده می‌کنیم که در این حوزه سرمایه‌گذاری می‌کنند. برخی از اینها حتی در فضای اکوسیستمی که می‌شناسیم، به‌عنوان چهره شناخته‌شده فعالیت نمی‌کنند. اکوسیستم ما هم اگر می‌خواهد به آن اکوسیستم نزدیک‌تر شود، باید به تکنولوژی و نوآوری‌اش عمق بخشد. با این روند، نگاه به نوآوری و گرفتن خروجی از آن باید تعریف جدیدی داشته باشد. اینجاست که به‌نظم اکوسیستم می‌تواند دستاوردهای واقعی‌تری را بروز دهد. این بازیگران هم نوآوری‌های جدید به‌نظم امید آینده اکوسیستم هستند.»

زرنوخی با تأکید بر اینکه رونمایی آفت صنعت و نوآوری است و با رونمایی چیزی خلق نمی‌شود، می‌گوید: «معتقدم چنانچه کسی نوآوری‌ای را ارائه دهد که مسئله‌ای را حل کند و از قضا همراه با کاهش هزینه باشد، حتماً از آن استقبال می‌شود، زیرا همه صنایع به آن نیاز دارند. چرا؟ چون آن رانت بزرگ نفتی برای همه در حال کاهش است. صنعت باید بهره‌وری داشته باشد و این بهره‌وری یعنی نوآوری می‌تواند کمکش کند. اتفاقاً تعداد جلسات من با افرادی که می‌گویند پولی دارند و مسئله‌ای که برای آن به دنبال راهکار هستند، نسبت به گذشته بیشتر شده، اما راهکار درست یا تیم و استارت‌آپ حرفه‌ای که بتوانم به آنها معرفی کنم، کم است.»

بر این اساس به‌نظر می‌رسد از دوره هیجانی عبور کرده و وارد دورانی شده‌ایم که همه‌چیز کندتر و آرام‌تر پیش می‌رود. زرنوخی می‌گوید با عبور از این دوران، بالاخره به نقطه تعادلی می‌رسیم که در آنجا با یک اکوسیستم واقعی‌تر و حرفه‌ای‌تر طرف هستیم که می‌تواند نیازهای نوآورانه صنعت و جامعه را حل و فصل کند. بازیگران و سرمایه‌گذاران جدیدی که وارد این فضا می‌شوند، تمرکز بیشتر خود را معطوف به اهداف سودآورانه می‌کنند و کمتر در پی دستاوردسازی هستند. او تأکید می‌کند: «بچه‌هایی که در ایران مانده‌اند و مهاجرت نکرده‌اند، دیگر می‌دانند باید با شرایط ایران بسازند که در آن فیلترینگ، محدودیت، تصمیم‌های سلب‌های رگولاتور و... وجود دارد. آنها آگاهانه تصمیم به فعالیت می‌گیرند و چنانچه تیمی می‌ایستد، می‌شود رویش بلندمدت‌تر حساب کرد.»

▼ سرمایه‌گذاری خارجی حلال مشکلات نیست

هرچند در ابتدای فعالیت استارت‌آپ‌ها در ایران، ظرفیت‌های بالقوه بسیار در کنار امید به گشایش و رفع تحریم‌ها سبب شد تا برخی کسب‌وکارها بتوانند از ظرفیت سرمایه‌گذاری خارجی استفاده کنند، اما به

رزم مشترک

به وزیر ارتباطات هم فرصت بدهیم هم توضیح بخواهیم



فرزاد نعمتی

پژوهشگر علوم سیاسی

بخشی از صحبت وزیر ارتباطات درباره فیلترینگ این روزها خیلی وایرال شده است و آنها که معتقد بودند با حضور پزشک‌شان هم گره‌ای باز نمی‌شود، با مانور دائمی روی این بخش از صحبت وزیر ادعا می‌کنند که پیش‌بینی‌شان محقق شد. اما به واقع چنین است؟

ستار هاشمی در شرایطی سکان وزارت ارتباطات را به دست گرفته است که از سویی فناوری اطلاعات به‌بستر اصلی توسعه و پیشرفت کشورها تبدیل شده و از سوی دیگر کلاف فیلترینگ در این مقطع پیچیده‌تر از هر زمانی شده است؛ کلافی که آنقدر گره خورده است که باز کردن آن به تنهایی و در اسرع وقت از عهده هیچ فرد نهادی بر نمی‌آید.

در این میان، هاشمی را با یک سخن وایرال شده از او نباید قضاوت کرد، اگرچه باید از او خواست که بیشتر در این باره توضیح دهد. آنچه از او سراغ داشتیم این بود که او با تلاشی جدی در راستای رفع فیلترینگ و تسهیل دسترسی مردم به اینترنت، در برابر جبهه‌های مخالفان و کاسبان محدودیت‌ها قرار دارد.

اما آیا می‌تواند به هدف خود دست یابد یا اینکه در برابر فشارهای کاسبان فیلترینگ و مخالفان ایستادگی کند؟

ستار هاشمی به خوبی می‌داند که آزادی دسترسی به اطلاعات و اینترنت یکی از حقوق اساسی مردم است. او در سخنرانی روز معارفه خود و دیگر سخنرانی‌های عمومی خود به صراحت به نیاز به فضای آزاد دیجیتال اشاره کرده و نشان داده که خواستار انحلال محدودیت‌هاست اما این خواسته، در دنیای سیاست، معادلات پیچیده‌ای را به همراه دارد.

حقیقت تلخی که باید گفت، وجود یک عده خاص است که به هر قیمتی تلاش دارند دسترسی به اینترنت آزاد را محدود کنند. این گروه نه تنها شامل رادیکال‌های مخالف اینترنت هستند، بلکه کاسبان فیلترینگ و افرادی با نفوذ سیاسی نیز در این بازی نقش دارند. آنها نه تنها منافع اقتصادی خود را در خطر می‌بینند، بلکه از هرگونه تغییری که به نفع مردم باشد، بیم دارند. اما هاشمی به تنهایی نمی‌تواند در برابر این دیوار مقاومت بیاستد. او نیاز به پشتیبانی و اتحاد مردم دارد.

صرف سبیل قرار دادن وزیری که خود در پی منافع عمومی است، نه تنها تأثیر مثبتی نخواهد داشت، بلکه به تضعیف موقعیت او و تداوم فیلترینگ کمک خواهد کرد. حمایت عمومی، سدی در برابر فشارهای موجود خواهد بود و می‌تواند معادلات را تغییر دهد.

نا توانی هاشمی در انجام اقدامات فوری برای رفع فیلترینگ نشان از فشارهایی دارد که او تحت آن قرار دارد. اگرچه او به خوبی می‌داند که با انجام این کار می‌تواند موجی از رضایت عمومی را به دست آورد اما واقعیت این است که موانع سیاسی و اقتصادی همچنان در برابر او قرار دارند. او باید با شجاعت و هوشمندی این چالش‌ها را درک کند و به سمت یک راه حل پایدار حرکت کند.

سخن پایانی آنکه تنها با اتحاد و حمایت مردم، وزیر ارتباطات می‌تواند بر این موانع فائق آید و وعده خود و دکتر پزشک‌شان را به عمل تبدیل کند. این همکاری نه تنها به نفع خود او و دولت خواهد بود، بلکه به نفع کل جامعه و پیشرفت کشور نیز خواهد بود. هاشمی باید با شفافیت و صراحت، این چالش‌ها را به مردم معرفی کند و از آنها بخواهد که در این نبرد، به یاری‌اش بشتابند.

در این میدان، تنها صدای متحد مردم می‌تواند به کاسبان فیلترینگ و محدودیت‌ها پاسخ دهد و راهی نو برای آینده‌ای روشن بسازد.

